

# از طهران تا تهران

## گفتگو با شادمهر راستین

مهران فرهادی



منطقه پنجم شهری تهران، زندگانی خودخواه، میزبانی از میراث

وجود دارد؟ یا بیشتر به تهران امروز من پردازید؟

■ تهران، سابقه‌ای ۶۰۰۰ ساله دارد. آثار و اسناد ما از تپه‌های قیطریه شروع می‌شود و تا فرودگاه امام خمینی ادامه پیدا می‌کند. هم از عکس‌های آرشیوی تاریخ تهران و تهران قدیم استفاده کردیم، هم از تهران امروز تصویربرداری کردیم. همچنین با توجه به یکصد مین سال تأسیس بلدیه تهران طرحی را برای تدارک سندی یکصد قسمتی از تهران، با روایتی هنری، در دست تولید داریم.

از جمله بعد از تحقیقات اولیه با کمک کارشناسان و تهران‌شناسان و بحث و تبادل نظر در این خصوص که اساساً از چه زاویه‌ای به تهران نگاه کنیم، کار را شروع کردیم، چیزی که برای ما اهمیت داشت، خود تهران بود. نمی‌خواستیم از تهران فقط به عنوان لوکیشن استفاده کنیم، بنابراین سعی کردیم با کمنگ کردن موقعیت مکانی، به آن شخصیت و روح بدهیم.

نکته جالب دیگر در مورد هنر در تهران است که بصورت کاملاً مردمی شکل گرفته و تداوم پیدا کرده، به این معنا که مثلاً مکتب اصفهان از بالا به پائین و از طرف حاکمان ایجاد شده ولی در تهران خصوصاً از زمان مشروطه، هنر، مردمی بوده و از مردم به مردم عرضه شده و امروز هم به عنوان مرکز جامع فرهنگی ایران شناخته می‌شود و به جرأت می‌توان گفت اتفاقی نیست که در هنر ایران بیفتاد و در تهران مشاهده نشود. این فضای شامل و فراگیر هنری می‌تواند بستر مناسبی برای ترویج فرهنگ شهریوندی باشد.

■ منظورتان از روح دادن به تهران چیست؟

■ آفای راستین، به عنوان سؤال اول لطفاً از خودتان بفرمائید.

■ **شادمهر راستین:** نه! اترجیح می‌دهم خیلی از خودنمایی. فقط همین که من ابتدا معماری و بعد سینما خواندم. همزمان با تحصیل سینما در روزنامه همشهری هم کار می‌کردم. بیشتر مطالب سینمایی می‌نوشتیم، بخارط تحصیلاتم در رشتہ معماری از طرف روزنامه عضو شورای تخصصی شهر تهران شدم و از نزدیک با مسائل این شهر بصورت کلان آشنا شدم.

آن زمان تازه شبکه ۵ (شبکه تهران) راهاندازی شده بود و قرار بود به فرهنگ زندگی شهری پردازد. با همین هدف، مجموعه‌ای به نام « محله به محله » ساخته و پخش می‌شد که نگاه تازه و متفاوتی نسبت به تهران در من ایجاد کرد. بعدها پروژه « محله به محله » متوقف شد، مدیریت روزنامه همشهری تغییر کرد، مسئولان شهرداری عرض شدند و تنها چیزی که ماند « علاقه به تهران » بود.

اولین کاری که در پاسخ به این علاقه انجام دادم، مجموعه فیلم‌هایی بود به نام « جوانان، تهران و... » که این « و... » بر می‌گشت به عنوانی می‌شود کار، سیاست، ازدواج و دانشگاه و... بعداً آفای بهشتی در سازمان میراث فرهنگی انجمنی را برای تهران‌شناسی تشکیل دادند که من هم عضو این گروه بودم و با جمع آوری اسناد و مدارکی راجع به تهران به مطالعات کاربردی در این خصوص می‌پرداختیم.

آن انجمن الان به سازمان بزرگی به نام « سازمان مطالعات شهر تهران » تبدیل شده که به نوعی دایره‌المعارف عکاسی کاربردی تهران به حساب می‌آید.

■ اسناد تاریخی راجع به گذشته تهران و تهران قدیم هم در این مجموعه

# ناگزیر افطار...

دکتر افسین یداللهی

سفر به غیر تو را با سراب باطل کن  
بیا و حج مرا با صواب باطل کن  
کجاست مرز طهارت که خواب و بیدارم  
وضوی دائم من را به خواب باطل کن  
حضور قلب مرا چشم‌های مست تو برد  
نماز سست مرا با شراب باطل کن  
چگونه در پی نورم تو را نمی‌بینم  
بیا نماز شب را، بتاب، باطل کن  
عجب فضیلت تردی است چشم‌پاکی من  
خیال حجب مرا بی حجاب باطل کن  
به بوشهای ترت ناگزیر افطارم  
به عمد، روزه من را به آب باطل کن  
تو در کتاب نبودی، بخوان و ایمان  
به حکم شارع اهل کتاب باطل کن

■ بینید، الان همه نظریه‌پردازان توسعه، به این باور رسیده‌اند که تا زمانی که تمام قوانین شهروندی، درونی نشوند، شهر رو به توسعه نمی‌رود، یعنی مثلاً اگر فردی ساعت ۱۱ شب زباله‌اش را بیرون گذاشت از نگاه همسایه‌اش خجالت بکشد و بداند کار درستی انجام نداده و اما اینکه این هدف چه زمانی محقق می‌شود، به نظر می‌رسد زمانی که «آبروی شهروندی» مطرح شود، (مثل روتا) و در این زمینه کیفیت روابط مردم در شهر بسیار مؤثر است و هدف نهایی اینکه: من با شناختن بهتر شهری که در آن زندگی می‌کنم، می‌توانم بخشی از هویت تاریخی، اجتماعی خودم را بشناسم و شناخت، باعث حرکت فرد و جامعه به سمت ثبات، استقرار و استحکام می‌شود.

■ شما زیبایی‌های تهران را چطور و چقدر در طرح‌تان نشان دادید؟

■ بحث زیبایی‌شناسی در هزاری سوم، بحث بسیار گسترده و در عین حال تازهای است. امروزه در دنیا شهرها جور دیگری زیبا هستند، تهران هم دارد تغییر می‌کند، ما هم در این طرح سعی کردیم به مردم خاطر نشان کنیم که در کنار تغییر مبلمان منزلمان، می‌توانیم به فکر باگچه‌های خیابان و نیمکت‌های پارک محل زندگی مان هم باشیم، البته این آموزش بصورت مستقیم نیست، بلکه در قالب یادآوری سعی می‌کیم خاطره جمعی ایجاد کنیم.

■ آقای راستین به نظر شما از طهران تا تهران چقدر فاصله است؟

■ تهران موجودی زنده است، این اولین شرطی است که باید پذیریم و نمی‌پذیریم. متأسفانه برای ما اتومبیل‌هایمان خیلی مهم‌اند، فضای شهری را تخریب می‌کنیم تا جا برای ماشین‌هایمان باز کنیم. سالانه ۱۰۰ میلیون متر مکعب تخریب و ساخت و ساز داریم ولی متأسفانه غیراصولی. اگر به سمت لشگرک و لواسان بروید تپه‌های نخاله را می‌بینید، داریم شهر را به نخاله تبدیل می‌کنیم.

■ اگر شهردار بودید چکار می‌کردید؟

■ واقعیت این است که شهردار بودن و احساس مسئولیت شهری باید خواست و ذات هر شهروندی باشد و این خود نشانه خوبی برای توسعه هر شهری است. تهران، مینیاتوری از ایران است. اقوام مختلف با گویش‌های مختلف اینجا کنار هم زندگی می‌کنند بدون هیچ اختلافی، باید این کنار هم بودن را دید، حس کرد و از آن بهره برد. باید سعی کنیم مردم را از خانه‌هایشان بیرون بیاوریم، تا تهرانی، تهرانی را بینید. می‌شود به جای ماندن در خانه‌های درسته و نشستن در کافی‌شاپ‌های تنگ و تاریک، میز و صندلی‌ها را توی پیاده‌رو گذاشت و نشست و از دیدن مردم لذت برد.

■ دوست دارید تهران را چه شکلی بینید؟

■ تهران، بهترین شکل‌اش، تهران بودن‌اش است. تهران زیبایست، شرم و حیا دارد. تهران، شهر درختان سپیدار و تبریزی و چنار بوده با غروب‌های زیبا. کمال‌الملک می‌گوید هیچ‌کجا غروب تهران را ندیدم. هنوز هم اگر هوا خوب باشد و در تقاطع بزرگراه‌های صدر و مدرس بایستید می‌توانید کوه کبود رنگی را بینید که با هر زاویه تابش نور، رنگش عرض می‌شود، ولی متأسفانه کم کم داریم این زیبایی‌ها را از یاد می‌بریم.

■ کدام محله تهران را خیلی دوست دارید؟

■ من بجه نارمکم، طبعتاً اول آنچا را بعد باغهای «شمرون» را خیلی دوست دارم، جایی بودندیک میدان پیروز فعلی، گندمزاری وسیع بادرخت‌های توت، همه اهل محل همدیگر را می‌دیدند.

■ حرف آخر؟

■ امیدوارم بتوانیم تهران را بشناسیم، آن را حفظ کنیم و از آن لذت ببریم.

■ بهترین مقاله را انتخاب کنید SMS ۳۰۰۰۷۴۶۸ کد این مقاله ۴۱۲۸

■ بهترین مقاله را انتخاب کنید SMS ۳۰۰۰۷۴۶۸ کد این مقاله ۱۳۹